

نماز

شکر نعمت

منتخبی از روایات ائمه معصومین علیهم السلام
به همراه گزیده‌ای از کتاب راز نماز

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
اداره برنامه‌ریزی، ارزشیابی و تهیه متون آموزشی

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

نماز، دری گشوده بر روی همه‌ی آحاد امت است که از آن می‌توان به هدایت و رحمت خداوند رسید و زندگی را در سمت و سوی درست و سرشار از خیر و برکت قرار داد. سلامت معنوی هر فرد وابسته به نماز است و صراط مستقیم و حیات طیّبه‌ی هر جامعه نیز تنها با اقامه‌ی نماز در آن تحقق می‌یابد.

باید اعتراف کنیم که حقّ این فریضه‌ی الهی که درمان دردهای عمده‌ی فردی و اجتماعی ما است ادا نشده است. ما مسئولان، ما سخنوران و سخن‌گویان، ما سررشته‌داران امور کشور، ما روحانیان و متولّیان تبلیغ و تعلیم دین، و ما همه‌ی آحاد و همه‌ی قشرهای مردم، همه و همه در مسئولیت اقامه‌ی نماز شریکیم.

همه همّت گماریم که نماز را در جایگاه شایسته‌ی خود که قرآن و حدیث بدان ناطق است، بشناسیم و بشناسانیم و عمل شخصی خود را نیز به تناسب آن تعالی بخشیم.

پیام به بیست و پنجمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۹۵/۹/۱۷

۱۵- حکمت وجوب نماز

۱۵/۱- هشام بن الحکم، نقل می‌کند: «درباره حکمت وجوب نماز از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال کردم چگونه خداوند، نماز را واجب ساخته است با این که این عبادت، مردم را از برآوردن نیازمندی‌هایشان باز می‌دارد و بدن‌هایشان را به رنج می‌اندازد؟!»

فرمود: «زیرا اگر فقط به آمدن دین و وجود کتاب (قرآن) در میان مردم اکتفا می‌شد و عاملی نمی‌بود که یاد و خاطره پیامبر را در میان‌شان نگه دارد، به همان سرنوشت پیروان ادیان پیشین دچار می‌شدند. آن‌ها نیز برای خود دینی و کتابی داشتند و عده‌ای را به سوی آیین خود فرا خواندند و در راه آن با آنان جنگیدند، اما با رفتن آن‌ها، دین و آیین‌شان هم کهنه شد و از بین رفت. خداوند تبارک و تعالی چنین خواست که مسلمانان نام و یاد محمد صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم و دین او را از یاد نبرند؛ از این رو، نماز را بر ایشان واجب فرمود، تا روزی پنج مرتبه به یاد او باشند و نامش را به زبان آورند و آنان با نماز و یاد خدا سر بندگی فرود آورند، تا مبادا از یاد خدا غافل شوند و فراموشش کنند و در نتیجه یاد و نامش محو شود».

۱۵/۲- همچنین امام رضا علیه السلام در پاسخ به رمز واجب شدن نماز، چنین مرقوم فرموده است: «نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عزوجل است و نفی شریک از او و ایستادن در برابر خداوند جبار، جلّ جلاله، با خواری و مسکنت و خضوع و اعتراف [به عظمت او] و طلب بخشش گناهان گذشته، و روزی پنج بار پیشانی بر خاک نهادن برای تعظیم خداوند عزوجل. نماز موجب می‌شود که بنده به یاد خدا باشد و او را فراموش نکند و به ناسپاسی و گردنکشی دچار نشود و خاشع و فروتن باشد و راغب و طالب زیادتى در دین و دنیا باشد. علاوه بر این‌ها، نماز موجب می‌شود که انسان از گناه باز ایستد و شب و روز پیوسته به یاد خداوند عزوجل باشد، تا این که مبادا انسان، سرور و مدبر و آفریننده خویش را فراموش کند و بر اثر آن، به گردنکشی و طغیان و نافرمانی روی آورد. یاد کردن بنده از خداوندگارش و ایستادنش در آستان او، وی را از معاصی باز می‌دارد و از هر گونه فساد جلوگیری می‌کند».

۱۵/۳- حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نیز در خطبه فدکیه فرمود: «الصَّلَاةُ تَنْزِيهًا عَنِ الْكِبَرِ -

نماز برای پاک شدن از کبر و غرور واجب شده است».

بسم الله الرحمن الرحيم

در تدوین این مجموعه از کتاب «راز نماز» نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و چهار مقاله دیگر بهره گرفته شده است.

بنا بر این بوده که تا حد ممکن متن خلاصه شود ولی به اصل موضوعات خللی وارد نگردد، به همین دلیل نشانی روایات در متن حذف شده است. علاقه‌مندان می‌توانند برای دستیابی به نشانی‌ها به اصل کتاب و مقالات که در سایت سراج اندیشه ذیل همین متن منتشر گردیده است مراجعه نمایند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- نماز، عبادتی بزرگ	۱
۲- چرا عبادت؟	۱
۳- ریشه‌های عبادت	۱
۴- چگونه عبادت کنیم	۲
۵- شرایط تکلیف	۶
۶- عبادت، در ترازوی سنجش	۷
۷- سیمای نماز	۱۱
۸- نماز، سپاس نعمت	۱۴
۹- ادب و آداب نماز	۱۵
۱۰- نماز جماعت	۲۵
۱۱- نماز جمعه	۲۶
۱۲- نمازهای نافله	۲۶
۱۳- آثار و برکات نماز	۲۷
۱۴- عواقب ترک نماز	۲۸
۱۵- حکمت وجوب نماز	۲۹

۱۴- عواقب ترک نماز

۱۴/۱- **وارد شدن به سقر:** در سوره مدثر آیات ۴۲ به بعد آمده است که اهل بهشت از دوزخیان می‌پرسند: «ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ - چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟» و دوزخیان در پاسخ می‌گویند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ - می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم».

۱۴/۲- **دخول در ویل:** خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ - ویل برای نمازگذاران است». «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - کسانی که در نمازشان ساهون هستند».

سahون یعنی آن‌هایی که از نمازشان غافلند اهمتامی به امر نماز ندارند، و از فوت شدنش باکی ندارند چه این‌که به کلی فوت شود و چه این‌که بعضی از اوقات فوت گردد، و چه این‌که وقت فضیلتش از دست برود و چه این‌که ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته نمازی باطل بخوانند.

در باره ویل نیز در روایات آمده است:

«ویل وادی است در دوزخ، قعر آن دورتر و آتش آن گرم‌تر و و عذاب آن سخت‌تر و ماران و کژدمان آن بیشتر (از هر جایی است) و - تنادی کلّ یوم الهی قد اشته حَرّی و بُعد قَعْری و کثُر حیاتی و عفار بی فِائِی اَهلی - آواز می‌دهد هر روز که بار خدایا گرمای من در نهایت است و قعر من بسیار دور است و ماران و کژدمان من کثیر است و طاقتم به‌سر رسیده، اهل مرا به من رسان».

«این چاه در قعر جهنم (واقع شده) و تمام آتش جهنم از آن بیرون می‌آید و از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل است که در قعر آن چاه تابوتی است که در آن چهارده نفر معذب هستند، هفت نفر از پیشینیان و هفت نفر از ملحقین (کسانی که بعد از زمان پیامبر به آن‌ها ملحق می‌شوند) هفت نفر پیشینیان: قابیل، کشنده ناقه صالح، نمرود، شداد، فرعون، هامان و قارون (هستند) اما هفت نفر لاحقین را بیان نفرموده فقط به‌حاضرین فرمود که شما جزو آن هفت نفر نباشید».

و همچنین از آن حضرت روایت است که: «ویل وادی است در جهنم که به‌قدری گود است که وقتی که کافر را در آن جا افکنند؛ چهل سال پائین می‌رود و به‌قعر آن نمی‌رسد و اگر کوه‌ها را درون آن بیندازند، قبل از آن‌که به قعر آن برسند از شدت گرما نابود می‌شوند». «(و آن‌جا) وادی جوشانی است از چرک و خون جهنمیان» «و در اخبار رسیده هر جا در قرآن تهدید به‌ویل شود مقصود همان چاه است».

دقت بفرمایید که این عذاب برای نمازگزارانی است که نسبت به نماز سهل‌انگارند، پس وضعیت تارکان نماز بسیار وخیم‌تر خواهد بود.

نماز. شکر نعمت

۱- نماز، عبادتی بزرگ

شناخت معبود و آفریدگار، محبت او را در دل ایجاد می‌کند و این محبت، انسان را به پرستش و عبادت و اظهار کوچکی و تواضع در برابر عظمت او وامی‌دارد.

نماز، جلوه‌ای از بندگی انسان در پیشگاه خدا و مظهر عبودیت و عبادت است.

آن‌که «بنده» آفریدگار است و این بندگی را احساس می‌کند و می‌داند و باور دارد، در برابر او، مطیع است و در پیشگاهش سر بر خاک می‌نهد و به سجده می‌افتد و با وی راز می‌گوید و نیاز می‌طلبد و آن خالق یگانه را که سر رشته‌دار اوست، به عظمت و پاکی می‌ستاید.

۲- چرا عبادت؟

فلسفه آفرینش انسان، بندگی و عبادت و عبودیت است. این صریح کلام الهی در قرآن کریم است که می‌فرماید: «جن و انس را، جز برای پرستش و بندگی خود نیافریدم». (ذاریات/۵۶) ناگفته نماند که این بندگی کردن، سودی به خدا نمی‌رساند بلکه مایه عزّت و سعادت خود انسان است و گر نه خداوند بی‌نیاز مطلق است:

اگر معلّم به شاگردانش می‌گوید: درس بخوانید، نفع این درس خواندن به خود آنان بر می‌گردد و برای معلّم سودی ندارد.

۳- ریشه‌های عبادت

۳/۱- عظمت خدا

برخورد با یک شخصیت برجسته، انسان را به تواضع وامی‌دارد، دیدار با یک دانشمند بزرگ، آدمی را به تکریم و احترام وامی‌دارد، چون که انسان در برابر عظمت و دانش آن شخصیت و این دانشمند، خود را کوچک و کم سواد می‌بیند. خداوند، مبدأ همه‌ی عظمت‌ها و جلال‌هاست. شناخت خدا به عظمت و بزرگی، انسان ناتوان و حقیر را به گُرنش و تعظیم در برابر او وامی‌دارد.

۳/۲- احساس نیاز و وابستگی

انسان، عاجز، نیازمند و ناتوان است و خداوند، در اوج بی‌نیازی و غنای مطلق، و سر رشته دار امور انسان‌هاست. این هم عاملی است، تا انسان در برابر خداوند «بندگی» کند.

۳/۳- سپاس نعمت

توجه به نعمت‌های بی‌حساب و فراوانی که از هر سو و در هر زمینه ما را احاطه کرده، قوی‌ترین انگیزه را برای پرستش پروردگار ایجاد می‌کند. نعمت‌هایی که حتی پیش از تولّد شروع می‌شود و در طول زندگی همراه ماست و در آخرت هم (اگر شایستگی داشته باشیم) از آن بهره‌مند خواهیم شد. قرآن به این نکته اشاره کرده و به مردم زمان پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «باید خدای کعبه را عبادت کنند، خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس، ایمن ساخت». (قریش/۳ تا ۵)

۳/۴- فطرت

در سرشت انسان، پرستش و نیایش وجود دارد. اگر به معبود حقیقی دست یافت، که کمال مطلوب همین است، و اگر به انحراف و بیراهه دچار شد، به پرستش معبودهای بدلی و باطل می‌پردازد. بت‌پرستی، ماه و خورشیدپرستی، گوساله و گاو پرستی، نمونه‌هایی انحرافی است که وجود دارد، کسانی هم پول و مقام و همسر و ماشین و مدال و ... را می‌پرستند.

روح عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر درست رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می‌گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می‌خورد و لذّت هم می‌برد. بدون هدایت صحیح این گرایش فطری انسان نیز، به عشق‌های زودگذر پوچ یا پرستش‌های بی‌محتوای انحرافی دچار می‌شود.

انبیا آمده‌اند تا فطرت را در مسیر حق، هدایت کنند و انسان را از عبادت‌های انحرافی نجات بخشند.

۴- چگونه عبادت کنیم؟

مگر نه این‌که نشانی هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت؟ و مگر نه این‌که در هر ضیافت و مهمانی، باید نظر میزبان را مراعات کرد؟

عبادت، حضور در برابر آفریدگار است و نشستن بر سر مائده‌های معنوی که او برای «بندگان» خود فراهم کرده است.

پس، چگونگی عبادت را هم از او باید فراگرفت و به دستور او عمل کرد و دید که او چه چیز را عبادت دانسته و عبادت را به چه صورت از ما طلبیده است؟ بهترین عبادت‌ها آن است که:

۴/۱- آگاهانه باشد

دو رکعت نماز انسان آگاه و دانا، از هفتاد رکعت نماز شخص نادان برتر است. و عبادت کننده ناآگاه، همچون الاغ آسیاب است که می‌چرخد ولی پیش نمی‌رود.

۱۳- آثار و برکات نماز

آثار و برکات نماز که در آیات و روایت ذکر شده بسیار زیاد است و در این مطلب به چند نکته اشاره می‌نماییم.

۱۳/۱- از بین رفتن بدی‌ها. (هود/۱۱۴)

۱۳/۲- همچون نهر آب: رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «نمازهای پنجگانه برای امت من همچون نهر آب جاری است که بر در خانه یکی از شما باشد آیا گمان می‌کنید اگر کثافتی در تن او باشد و سپس پنج بار در روز در آن نهر شست و شو کند، آیا چیزی از آن بر جسد او خواهد ماند؟ مسلماً نه، همچنین است به خدا سوگند نمازهای پنجگانه برای امت من».

۱۳/۳- پاکی از گناه: پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «یا علی! به حق آن خدایی که مرا به نبوت مبعوث داشته، هر کدام از شما برای وضو نماز برخیزید، گناهانش فرو ریزد و چون به درگاه خدا رود و با دل به خدا متوجه گردد و نماز به پا دارد چیزی از گناهان وی بر جای نماند و پس از نماز مانند روزی گردد که از مادر متولد شده و اگر دوباره میان دو نماز گناهی از وی سر زند، همچنان با نماز دوم گناهانش بریزد و به همین ترتیب تا نماز پنجم».

۱۳/۴- مونس قبر رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «نماز به صورت انسانی سفید چهره وارد قبر میّت شده و با او انس می‌گیرد و وحشت‌های برزخ را از او برطرف می‌کند».

۱۳/۵- آثار متعدد: پیامبر خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «نماز ... موجب اجابت دعا و پذیرش اعمال و میانجی میان نمازگزار و فرشته مرگ، چراغ روشن کننده قبر، بستری زیر پهلوه‌های میت، پاسخی برای پرسش‌های نکیر و منکر، همدم در شادی و گرفتاری و باران رحمتی بر گور است تا روز رستاخیز، نماز توشه مؤمنان در سفر دنیا به آخرت است، سبب گذشتن و عبور کردن از پل صراط است، کلیدی برای بهشت و مهریه حوریان بهشتی است».

۱۳/۶- ثواب اجزا نماز: خداوند متعال علاوه بر این‌که برای خواندن خود نماز اجر و ثواب قرار داده برای تک تک اجزای نماز نیز ثواب و پاداش اخروی ویژه‌ای قرار داده که از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌نمائیم.

را. یا محمد ترک کننده نماز جماعت نزد من ملعونست و نزد فرشتگان ملعونست و به تحقیق که لعنت کرده ام ایشان را در تورات و انجیل و زبور و قرآن، و ترک کننده جماعت صبح و شام داخل می شود در لعنت خدا. یا محمد از ترک کننده جماعت قبول نمی کنم دعایی و فرو نمی فرستم بر وی رحمتی و ایشان یهودان امت تواند و اگر بیمار شوند دیدن مکن از ایشان و اگر بمیرند حاضر مشو بر جنازه ایشان».

۱۱- نماز جمعه

گاهی عبادات اسلامی، غیر از جهات روحی و معنوی، آثار و جنبه های سیاسی و اجتماعی هم دارد، به خصوص آن چه که به صورت آشکار و گروهی با آداب و ویژگی های خاص اجرا می شود. نماز جمعه، یکی از این آیین های مقدس و با شکوه است که امت نمازگزار، در کنار برکات معنوی و ثواب عبادت، به آثار و نتایج اجتماعی آن نیز نایل می شود.

نماز جمعه، مظهر شکوه اسلام و عظمت مسلمین و وحدت بخش صفوف و خنثی کننده توطئه ها و تفرقه افکنی هاست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: «هر کس سه جمعه پیایی، بدون عذر و بیماری، عمدتاً در نماز جمعه شرکت نکند بر دل او مهری از نفاق زده می شود».

نماز جمعه، حج مساکین است.

۱۲- نمازهای نافله

عشق به پرستش و بندگی، انسان را وادار می دارد که بیش از حد مقرر نیز به اطاعت و نیایش بپردازد. این با نمازهای مستحب جلوه گر می شود که به «نافله» معروف اند.

در حدیث آمده است: «نمازهای مستحب، همچون هدیه ای به درگاه خداوند است که به هر حال قبول می شود».

نمازهای مستحب، جبران کننده نواقص نمازهای واجب است و همچون صدقه ای است که انسان، آن را می پردازد. به خصوص نماز شب، راز ارتباط عاشقانه میان بنده و خدای اوست.

در روایتی آمده است که خداوند می فرماید: «دروغ می گوید آن که می پندارد مرا دوست دارد، اما چون شب فرا می رسد، به خواب می رود و به یاد من نیست، مگر نه این است که هر دوستداری، خلوت و نجوای با دوستش را دوست می دارد؟»

بر اساس روایات انسان با نافله می تواند چنان به خدا نزدیک شود و الهی گردد که جز حق نبیند و جز حق نشنود و به آن جا برسد که هر دعایی بکند مستجاب شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می گوید، گناهانش بخشیده می شود».

در این صورت است که نماز، معراج روح می شود و عامل بازدارنده از فساد و موجب قرب به خدا می گردد.

۲/۴- عاشقانه باشد

آن چه موجب نشاط روح در عبادت می شود و عابد از پرستش خود لذت می برد، عشق به الله و شوق به گفت و گوی با اوست.

عبادت هایی بی روح و از روی کسالت و سستی و خمودی، نشانه نداشتن شور و شوق نیایش و نجوا با پروردگار است. در دعای روز چهارشنبه می خوانیم:

«... وَ اجْعَلْ نِشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ - خداوند! نشاط مرا در عبادت خودت قرار بده».

آنان که از عبادت لذت نمی برند، همچون بیمارانی هستند که از غذای لذیذ، لذت نمی برند. اگر این شوق و عشق باشد، دیگر چندان نیازی به تبلیغ، تشویق و تحریک از بیرون نیست، بلکه انگیزه درونی انسان را به عبادت وامی دارد و آن گونه که برای دیدار شخصیت معروف و محبوبی، لحظه شماری می کنیم و از آن دیدار، مسرور می شویم، از عبادت هم به وجد و نشاط می آییم. برای عاشقان، شنیدن صدای «اذان» اعلام فرا رسیدن لحظه دیدار است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به بلال می فرمود: «ارْحُنَا يَا بِلَال - ای بلال! ما را از غم و تلخی نجات بخش».

این شوق زایدالوصف آن حضرت را به نماز می رساند.

۳/۴- خالصانه باشد

هیچ چیز همچون «ریا» و خودنمایی و مردم فریبی، آفت عبادت نیست. از طرف دیگر، هیچ چیز چون خلوص، ارزش آفرین عبادت و نماز نیست. البته داشتن اخلاص در عبادت بسیار دشوار است، و دل و جان را از تهاجم و سوسه های ابلیسی رها کردن، رنجی بزرگ دارد و همتی بلند و اراده ای نیرومند می طلبد. عبادت تا خالص نباشد، در درگاه الهی پذیرفته نیست و تنها پیشانی بر زمین سودن و قرائت صحیح داشتن و در صف اول جماعت ایستادن و ... ملاک نیست. تعبیر قرآن چنین است:

«هیچ دستور عبادی برای مردم نیامده مگر آن که امر به اخلاص در آن شده است».(بینه/۵)

قرآن می فرماید: «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا - احدی را شریک عبادت خدا قرار ندهید».(کهف/۱۱۰)

حتی اگر رزمنده‌ای در جبهه، برای غنایم، یا اظهار شهامت و ... بجنگد، ارزش ندارد.

ورود شرک و ریا به عمل انسان، طبق حدیث امام عسگری علیه‌السلام، از حرکت مورچه در شبی تاریک، روی سنگ سیاه و سفت، بی‌نمودتر و مخفی‌تر است!

۱-۴/۳- راه رسیدن به اخلاص

آن‌که جنس خود را ارزان می‌فروشد؛ یا به ارزش آن ناآگاه است، یا مشتری را نمی‌شناسد، یا نرخ و قیمت را نمی‌داند. قرآن برای آن‌که ما کالای وجود، دل و جان و عمل و عبادت خود را ارزان نفروشیم، در هر سه زمینه ما را راهنمایی می‌کند:

انسان را جانشین خدا در زمین و امانت‌دار الهی و اشرف مخلوقات می‌شمارد.

مشتری عمل‌های نیک انسان را هم، خدا می‌داند که هم اعمال اندک را می‌خرد، هم گران‌تر می‌خرد و هم بدی‌ها را می‌پوشاند و رسوا نمی‌کند.

قیمت انسان را هم، بهشت می‌داند و لذت‌های ابدی و همجواری اولیای خدا.

خداوند، «ولیّ نعمت» ماست. یاد کردن از نعمت‌های پروردگار، خلوص می‌آورد.

راه دیگر اخلاص‌یابی، توجه به بی‌ارزشی و گذرا بودن دنیا و جلوه‌های مادی آن است.

ترس از رسوایی ریاکاری، عامل دیگری در جهت کسب اخلاص است. مشتِ ریاکار روزی باز می‌شود، البته نزد خداوند از اوّل باز است.

۲-۴/۳- نشانه‌های اخلاص

نشانه‌های اخلاص چند چیز است:

(الف) ۲-۴/۳- عدم توقّع از دیگران

اگر کار برای خداست، انسان مخلص، چشم‌داشت تشکّر و قدردانی از غیر خدا ندارد. اگر قدر شناسی و ناسپاسی هم دید، باز در عمل خویش ثابت قدم و استوار است. این نشانه آن است که برای خدا کار می‌کند.

سوره «هل اتی» در شأن حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نازل شد، که سه روز روزه نذری گرفته بودند، و در هر سه روز، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و با آب، افطار کردند.

سخن این خانواده با اخلاص، چنین بود:

«إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا - ما شما را به‌خاطر خدا طعام دادیم، و از شما پاداش و تشکّری نمی‌خواهیم».(دهر/۹)

۱۰- نماز جماعت

از نکات اساسی مربوط به نماز، برپایی آن به صورت جماعت است. نماز جماعت پاداش بسیار، برکات فراوان و فواید فردی آثار اجتماعی بسیار دارد. از جمله:

۱۰/۱- **شکوه مسلمانان:** شکوه مسلمانان و موحدان را می‌رساند. ذوب شدن «فرد» در

«جمع» در یک عبادت توحیدی است. مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است.

۱۰/۲- **همه‌اش عبادت است:** آن‌که برای شرکت در نماز جماعت، از خانه بیرون می‌رود،

یا در مسجد به انتظار نماز جماعت است، در طول این مدت پاداش پرداختن به نماز را می‌گیرد.

۱۰/۳- **بیش از ده نفر:** جبریل بعد از بیان ثواب نماز جماعت از دو نفر تا نه نفر به پیامبر

صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم عرض کرد: «چون بیشتر از ده نفر باشند، اگر جمیع دریاها و آسمان و زمین کاغذ شوند و درختان قلم و آدمیان و جنیان با فرشتگان نویسنده، قادر نباشند بر نوشتن ثواب یک رکعت از آن. یک الله اکبر که مؤمن آن را با امام جماعت درک کند بهتر است از هفتاد حج و هزار عمره غیر واجب. یک رکعت نماز که مؤمن با امام جماعت بخواند بهتر است از صدقه دادن صد هزار دینار طلا بر درویشان. و یک سجده که مؤمن با امام جماعت بخواند بهتر است از عبادت یک سال. و رکوعی که به‌جا آورد مؤمن با امام جماعت بهتر است از صد بنده که آزاد کند آن‌ها را در راه خدا. و نیست بر آن‌که بمیرد بر جماعت پرسش و عذاب قبر و سختی روز قیامت. هر که دوست دارد جماعت را دوست دارد او را خدا و جمیع فرشتگان و آدمیان».

۱۰/۴- **ثواب شهید:** در بخشی از حدیث طولانی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم در

ثواب نماز جماعت فرموده‌اند می‌خوانیم: «کسی که بر آن باشد که در هر جا و در هر موقعیت و فرصتی، نماز خود را به جماعت بخواند... به ازای هر روز و یا شبی که توفیق شرکت در نماز جماعت را داشته است ثواب یک شهید را به او خواهند داد».

۱۰/۵- **بازار آخرت:** رسول اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مساجد بازاری از بازارهای آخرت

است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه‌ی آنان بهشت است.»

۱۰/۶- **ترک نماز جماعت:** از طرفی ترک نماز جماعت نیز به شدت نهی شده است:

پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل هر یک با هشتاد هزار فرشته نزد من آمدند و عرض کردند: یا محمد خداوند جبار تو را سلام داده و می‌فرماید به امت خود بگو هر که بمیرد در حالتی که دوری کند از (نماز) جماعت بوی بهشت را نشنود اگر چه عمل او بیشتر از همه‌ی اهل زمین باشد که قبول نمی‌کنم از وی نافله و نه فریضه

۹/۳- تعقیبات نماز

نماز که پایان یافت، باید دعا خواند و ذکر گفت و خدا را ستایش کرد و از او حاجت خواست و حالت معنوی نماز و صورت زیبای عبادت و بندگی را، تا مدتی پس از اتمام نماز، نگه داشت. استمرار بخشیدن به حالت نماز و خواندن دعاهاى مستحب، «تعقیب» نماز است.

مهمانی حق میزبان را ادا می‌کند که قبل از طعام و پس از آن نیز با صاحبخانه، گفت‌وگو و احوال‌پرسی و حضور در محضر داشته باشد.

و گر نه آن‌که خود را به سر سفره برساند و همین که خورد، فوراً و بی‌خداحافظی و بی‌تشکر، برخاسته و میزبان را ترک کند، بی‌ادبی کرده است.

نماز، فریضه‌ای الهی است. ولی پیش از نماز، در مسجد و مصلّا به انتظار آن نشستن، اذان و اقامه گفتن، ذکرها و دعاهاى مستحب پیش از نماز را خواندن، به استقبال نماز رفتن است. و تعقیبات هم، بدرقه آن محسوب می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «همین که از نماز واجب فارغ شدی، به دعا و تعقیب نماز مشغول شو. دعای بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب، مستجاب می‌شود».

۹/۳-۱- تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

از بهترین تعقیبات نماز، تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام است. این ذکر عالی را رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم به دختر گرامی‌اش آموخت:

به فرموده امام صادق علیه‌السلام این تسبیحات از هزار رکعت نماز مستحب، نزد خدا برتر است. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «در میان ستایش‌ها، بهتر از تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام نیست، و اگر می‌بود، رسول خدا به فاطمه علیها‌السلام تعلیم می‌داد».

۹/۳-۲- سجده شکر

به شکرانه نعمت‌های بی پایان و بی شمار خداوند، پس از نماز، سر بر خاک نهادن و نعمت‌های او را به یاد آوردن، و شکر گفتن و حمد کردن، از اعمالی است که هم محبت خدا را در دل انسان می‌افزاید و هم انسان را نزد خدا محبوب و مقرب می‌سازد و هم سبب افزایش نعمت‌ها می‌شود.

به تعبیر امام صادق علیه‌السلام سجده شکر بعد از نماز، دلیل کامل شدن نماز و خشنودی خدا و خوشامدن و اعجاب فرشتگان است. خداوند از آنان می‌پرسد: «پاداش این بنده شاکر چیست؟» می‌گویند: «رحمت تو، بهشت تو، حلّ مشکل او، ...»

خداوند می‌فرماید: «همانگونه که او از من تشکر کرد، من هم از او سپاسگزارم».

ب) ۴/۳-۲- توجه به تکلیف، نه عنوان

مخلصان، بنده تکلیف‌اند، نه اسیر عنوان! چه بسا کارهای لازم که بر زمین مانده، و کسی سراغش نمی‌رود، تنها به این جهت که عنوان مهم و معتبری همراه ندارد.

اخلاص را از آن‌جا می‌توان شناخت که انسان تکلیفش را - هر چه باشد - انجام دهد و کارهای بزرگ و کوچک، با عنوان و بی‌عنوان، دارای نمود و آوازه یا گمنام و ناشناخته، برایش یکسان باشد.

ج) ۴/۳-۲- پشیمان نشدن

انسان مخلص، از کار نیکی که کرده، پشیمان نمی‌شود. چون نزد خدا پاداشش محفوظ است و به وظیفه هم هر چه بوده عمل کرده است. پس پشیمانی چرا؟

د) ۴/۳-۲- عدم تأثیر استقبال یا بی‌اعتنایی

نباید چون کارتان مورد ستایش و استقبال قرار می‌گیرد، تشویق به انجام آن شوید، و چون کارتان با بی‌اعتنایی مردم روبرو شود سست شوید. اگر کار برای خداست نباید تشویق و استقبال یا بی‌اعتنایی و عدم قبول مردم در انسان مخلص مؤثر واقع شود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «ریاکار، سه علامت دارد: اوّل آن‌که وقتی تنه‌است، با کسالت و بی‌حالی عمل می‌کند. دوّم آن‌که در حضور مردم، نشاط می‌ورزد. سوّم آن‌که اگر تعریفش کنند، می‌افزاید و اگر ملامتش کنند، می‌کاهد».

هـ) ۴/۳-۲- یگانگی ظاهر و باطن

علی علیه‌السلام: «کسی که ظاهر و باطنش و نهان و آشکارش و رفتار و گفتارش با هم اختلاف نداشته باشد، او امانت الهی را ادا کرده و عبادت و بندگی را خالص ساخته است».

۴/۴- خاشعانه باشد

خشوع، حالت قلبی انسان در عبادت و نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. آن‌که نیاز و عجز خود را می‌داند و عظمت و کمال الهی را می‌شناسد و در عبادت، خود را در برابر آن خدای بی‌همتا و آگاه می‌یابد. حالتی متناسب با این «حضور» پیدا می‌کند، در این حالت قلب، خاشع می‌شود، نگاه افتاده می‌گردد و توجه از هر چیز دیگر بریده و به معبود متوجه می‌شود.

قرآن در توصیف مؤمنان و عبادت‌شان می‌فرماید:

«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ - در نمازشان خاشع‌اند».(مؤمنون/۲)

در حدیث می‌خوانیم: «خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی».

۴/۵- مخفیانه باشد

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «پاداش عبادتی بیشتر و بزرگ‌تر است که مخفی‌تر باشد». این برای آن است که عبادت (به خصوص عبادت‌های مستحب) در حضور جمع، زمینه بیشتری برای تظاهر و ریا دارد.

البته این در مواردی است که اسلام، خود امر به عبادت آشکار نکرده باشد، همچون نمازجماعت در مسجد که از نماز فرادی در خانه برتر است.

۵- شرایط تکلیف

از میان موجودات، انسان ویژگی تکلیف را داراست و این از امتیازات و افتخارات اوست که از سوی خدای هستی، فرمان می‌یابد و عهده‌دار انجام کارها و وظایفی می‌شود که خواسته پروردگار جهان است.

یکی از علما، همیشه سالگرد بلوغ خود را که مرحله رسیدن به «تکلیف» است جشن می‌گرفت و می‌گفت: «در چنین روزی، لیاقت مسئولیت‌پذیری و انجام تکالیف الهی را یافته‌ام».

۵/۱- بلوغ

بلوغ سنی آن است که پسران، پانزده سال را تمام کرده، به سن ۱۶ سالگی وارد شوند. (البته ممکن است کسی قبل از این سن به تکلیف برسد که موارد آن در رساله‌های مراجع تقلید آمده است)

با این بلوغ تکلیفی، انجام همه واجبات دینی و پرهیز از محرمات، بر انسان لازم می‌شود و در صورت تخلف، گناه کرده و مورد مؤاخذة الهی قرار می‌گیرد.

۵/۲- قدرت

تکلیف، تابع توان است. خدای دادگر، از هیچ کس عملی فوق طاقت او نخواستہ است و اگر کسی نسبت به انجام کاری ناتوان باشد، تکلیفی هم ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا - خداوند هیچ کس را جز در حدّ توان او تکلیف نمی‌کند». (بقره/۲۸۶)

۵/۳- اختیار

شرط دیگر تکلیف، اختیار است. اگر فشار و اجبار، مانع انجام وظیفه شد، در شرایط اضطرار و ناچاری، انسان مکلف نیست و ترک تکلیف هم کیفر ندارد، مثل آن‌که حکومتی طاغوتی مانع رفتن انسان به حج شود، یا ظالمی انسان را به زور، وادار به خوردن روزه کند».

در میان فرمان‌های عبادی که خدا به پیامبر عزیزش داده، بیش از همه، دستور به تسبیح است. شانزده مرتبه فرمان «سَبِّحْ» از سوی خدا، خطاب به پیامبر آمده است:

«خدا را تسبیح بگوی، پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب آن، در ساعات شب و اوقات روز، در صبح و شام، و آن‌گاه که بر می‌خیزی». (طه/۱۳۰؛ غافر/۵۵؛ طور/۴۸)

از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده است که: «هرگاه بنده‌ای بگوید "سبحان الله، همه‌ی فرشتگان بر او درود می‌فرستند».

۷-۹/۲- قنوت

قنوت، دست نیاز بر آستان الهی بلند کردن است و خواسته‌ها را بر شمردن، و این از مستحبات اکید در نماز است. معنای قنوت، اطاعت و دعا و توجه و خشوع در نماز است. در قنوت می‌توان هر دعایی را خواند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده که: «هر که در دنیا، صاحب قنوت‌های طولانی باشد، در روز دشوار قیامت و در پیشگاه عدل الهی، آسوده‌تر خواهد بود».

۸-۹/۲- تشهد

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمداً عبده ورسوله اللهم صل على محمد وآل محمد»
تشهد تجدید بیعت با خدا و رسول است، اقرار و اعتراف به وحدانیت خدا و نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است، شهادت دادن است، به این که آن حضرت، «عبد» و «رسول» خداست. صلوات بر پیامبر و آل او از واجبات است و آن‌که این تحیت و درود را نفرستد، نمازش باطل است.

۹-۹/۲- سلام

سلام ما به رسول خدا، نشانه ادب و احترام و حق‌گزاری ماست. سلام به معنای سلامتی، خیر، برکت و امنیت است و یکی از نام‌های خداوند در قرآن است: «السَّلامُ الْمُؤْمِنُ» (حشر/۲۲)

بهترین سلام، آن است که همراه با رحمت و برکت از سوی خدا باشد. و در نماز، سلام ما به پیامبر چنین است: «السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»

سلام ما به پیامبر به پاس رنج و زحماتی است که بر خود هموار کرد، پاسداری از رسالتی است که به انجام رساند، و گرمی داشتن پیوندی است که میان خدا و ما برقرار کرد. «السَّلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا. سلام بر همه‌ی شما خوبان عالم، فرشتگان جهان بالا و مؤمنان راستین.



چرا ما، همسوی با همه‌ی کاینات، سجده بر خدا نکنیم.

در سجده نیز تسبیح خدا می‌گوییم و او را از هر عیب و نقص، و هر صفت بشری، و هر عجز و ناتوانی، و از هر آن‌چه به ذهن‌مان خطور کند و تصوّر شود، منزّه و مبرّا می‌دانیم.

سجده، عالی‌ترین درجه عبودیت است. سجده، رمز بندگی است. پس باید همراه با تذلل و خشوع و فروتنی و شکسته دلی و شکسته نفسی باشد. اگر با اشک چشم همراه بود، چه بهتر! و اگر طولانی بود، فضیلتش بیشتر!

امام سجاد علیه‌السلام، زینت ساجدان و فخر عابدان بود. در سجده، چندان با توجّه نام خدا را تکرار می‌کرد که وقتی سر بر می‌داشت بدن مبارکش غرق عرق بود.

خداوند، یاران رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم را چنین معرفی می‌کند:

«تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَتَّبِعُونَ فُضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا - آنان را می‌بینی که در حال رکوع‌اند یا سجود، و امید به فضل خدا و خشنودی او دارند». (فتح/۲۹)

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سجده‌ی بسیار، گناهان را می‌ریزد، آن‌گونه که باد برگ درختان را».

۶-۹/۲- ذکر سُبْحَانَ اللَّهِ

این ذکر مقدّس و پرمعنی که در تمام عبادت‌ها، نیایش‌ها، سجده‌ها و رکوع‌ها به چشم می‌خورد و به کار می‌رود، حقیقتی را در بردارد که ریشه در همه‌ی عقاید و تفکرات صحیح اسلامی دوانده است و زیر بنای ارتباط انسان با خدا و صفات کمال اوست.

توحید، بر اساس تسبیح خدا و منزّه دانستن او از شریک و شبیه است.

عدل بر مبنای تسبیح و منزّه دانستن خدا از ستم و تبعیض و حق‌کشی است.

نبوّت و امامت منزّه دانستن خداوند است از این‌که بندگان را بی‌حجت و راهنما رها کند و پیک‌هایی برای ابلاغ راه هدایت نفرستد.

معاد منزّه دانستن خداوند است از این‌که پاداش نیکی‌ها و کیفر بدی‌ها را به نحو کامل ندهد

و زندگی بشر و آن همه مجاهدات رسولان الهی به بیهودگی و بی‌ثمری بیانجامد.

تا خداوند را از هر عیب و نقصی دور و پاک ندانیم، چگونه می‌توانیم دل را خانه محبّت و عشق او سازیم؟

کسی می‌تواند از خدا راضی باشد که کارهای او را حکیمانه بداند و بر امر و دین او خورده نگیرد و آن را عیبناک نداند.



۴-۵- عقل

عقل، شرط تکلیف انسان و پشتوانه معرفت و عمل اوست. کیفر و پاداش انسان نیز بستگی به آن دارد. کسی که دیوانه و سفیه باشد، از محدوده تکالیف بیرون است.

بنا به اهمّیت این گوهر پُر بها در وجود انسان و زندگی او، خداوند هر چه را که به عقل و کارایی آن لطمه بزند حرام ساخته، مانند شراب، و به آن‌چه موجب کمال و شکوفایی آن شود، دستور داده است، همچون دانش آموختن و ...

۶- عبادت، در ترازوی سنجش

گفتیم: عبادت، یعنی بندگی و پرستش، اطاعت امر خدا و انجام تکلیف الهی، خواستِ خود را فدای خواسته پروردگار کردن و گردن نهادن به احکام شرع.

آن‌چه به عنوان تکلیف و عبادت انجام می‌شود، به لحاظ نیت و محتوا و کیفیت انجام و خصوصیات فردی هر کس، مراحل و مراتبی می‌یابد.

گاهی عمل عبادی، تنها مرتبه صحت و درستی را از نظر رعایت شرایط دارد، گاهی به مرتبه قبول می‌رسد، و گاهی هم صفت کمال می‌یابد.

۱/۶- شرایط صحت عبادت

هدف درست و شکل صحیح عبادت، دو عامل مهمّ در صحت آن است. یعنی هم مقصود از عبادت، باید رضای خدا و قصد قربت و انجام فرمان الهی باشد، نه جلب نظر مردم و ریا و خودنمایی، و هم صورت ظاهری آن، طبق دستور باشد، حتّی در جزئیات آن.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «عمل خالص عملی است که در انجامش، جز از خدا، از احدی انتظار سپاس و ستایش نداشته باشی».

عامل دیگر صحت عبادت به شکل آن مربوط است، یعنی عمل، طبق آن‌چه گفته‌اند و مطابق دستور شرع باشد، نه بر اساس ذوق و سلیقه شخصی یا مد روز یا پسند مردم. این‌که به عنوان مثال نماز را چگونه باید خواند، کجا آهسته و کجا بلند، کجا نشسته و کجا ایستاده، کجا چهار رکعت و کجا دو رکعت، و ... همه طبق دستور باشد، گرچه همه عبادت است.

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «هیچ ارزشی برای گفته‌ها و عمل‌ها نیست، مگر آن‌جا که به سنت برسیم و متعبد باشیم و طبق دستور، عمل کنیم».

اگر به شما بگویند در صد قدمی گنجی است که می‌توانید استخراج و تصاحب کنید، اگر ۹۸ قدم یا ۱۰۲ قدم بروید و حفر کنید، به گنج دست نخواهید یافت و رنج بیهوده کشیده‌اید.

در گرفتن شماره تلفن، یک شماره کم و زیاد، تماس را با خانه یا اداره دیگری بر قرار می‌کند و کلید، اگر یک دندانه کم یا زیاد یا جابجا ساخته شود، قفل را نخواهد گشود.

اما کسانی از روی انحراف، در شکل عبادت خدا تغییراتی می‌دهند. این تغییر دادن‌ها گاهی از روی لجاجت است، گاهی روشنفکر مآبی علت آن است، گاهی مقدس مآبی و کلاه شرعی سبب آن می‌شود و گاهی جهالت و نادانی یا عوامل دیگر.

«تعبد» آن است که حتی در شکل عمل هم، آن‌گونه که دستور دین است، بی‌کم و کاست، عمل کنیم تا به مفهوم صحیح، «بندگی» کرده باشیم.

۶/۲- شرایط قبولی عبادت

مقصود، شرایطی است که رعایت آن‌ها، علاوه بر درستی عمل، موجب قرب به خدا و جلب رضای او می‌شود. ممکن است نمازی صحیح باشد ولی سبب رشد و تزکیه روح نشود، همچون دارویی که شفابخش نباشد، یا جنسی در بازار بی‌مشتري باشد. عبادت هم، گاهی تنها در حد نجات بخشی از کيفر است، ولی گاهی انسان را محبوب خدا و عمل را مقبول درگاهش می‌سازد. در آیات و روایات، نکات بسیاری پیرامون قبولی عبادت و عمل مطرح است که به عنوان نمونه، چند مورد ذکر می‌شود.

۱-۶/۲- در بُعد اعتقادی، «ایمان»

قرآن کریم می‌گوید: اعمال شایسته و صالح، از کسی که «مؤمن» باشد، موجب حیات طیبه می‌شود. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷) و در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» - کسی که کفر ورزد و ایمان را نپذیرد، اعمالش تباه می‌شود». (مائده/۵)

۲-۶/۲- در بُعد سیاسی، «ولایت»

آن‌چه عمل را در مسیر صحیح و خدایی قرار می‌دهد، پیروی از رهبری آسمانی و شایسته است. در سایه چنین رهبری و ولایتی، خط صحیح عمل و عبادت، کارساز می‌شود و در غیر آن، یا بی‌خاصیت و بی‌اثر می‌شود، یا عبادت هم در راستای اهداف دشمنان راه خدا قرار می‌گیرد.

اگر مسافران، با راننده‌ای راه‌شناس و امین مسافرت کنند، هر چند ژنده‌پوش و نامرتب باشند، سرانجام به مقصد می‌رسند. ولی سرنشینان شیک پوش و آراسته اتومبیلی که به راننده‌اش اطمینان نیست، ناشی یا مست است یا مسیر را عوضی می‌رود، هرگز به مقصد نمی‌رسند، بلکه چه بسا نابود می‌شوند.

این سوره نیز با یاد خداوند مهربان آغاز می‌شود.

سپس یکتایی و بی‌نیازی او را مطرح می‌کند. و با صفات دیگر خداوند به پایان می‌رسد. سوره‌ای است توحیدی و یکتایی خداوند را در آفرینش، پرورش، مالکیت، حاکمیت، فریادری و بی‌نیازی می‌رساند.

خدایی که «صمد» است، بی‌نیاز است و همه نیازمندان به او توجه می‌کنند. از ویژگی‌های آدمی همچون خواب، خوراک، غفلت، خستگی، زاد، ولد، ترس و ... به‌دور است.

هیچ چیز شبیه او نیست. و هیچ‌کس و هیچ قدرتی همتای او نیست: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/۱۱)

۴-۹/۲- رکوع

عظمت پروردگار انسان را به رکوع و کرنش وامی‌دارد و خدایی او، بنده را به تواضع. رکوع، خم شدن در برابر عظمت او و اظهار بندگی و طاعت اوست. رکوع، ادبِ عابد است و سجود قرب او. کسانی به خدا نزدیک‌تر می‌شوند که در اظهار ادب کوتاهی نکرده باشند.

علی علیه‌السلام، آن قدر رکوع طولانی داشت که عرق از ساق پایش جاری و زیر قدم مبارکش تر می‌شد.

امام صادق علیه‌السلام بیش از سی مرتبه، در رکوع و سجود، ذکر خدا را تکرار می‌کرد. گروهی از فرشتگان همواره در رکوع‌اند. (نهج البلاغه، خطبه اول) انسان راکع، هماهنگ و همراه با فرشتگان می‌شود، همسویی و همسانی بنده‌ای زمینی با فرشتگان آسمانی. و چه افتخاری بالاتر از این؟!

۵-۹/۲- سجود

سجود نیز همچون رکوع، از ارکان نماز است.

سجده، جز برای خداوند جایز نیست. اگر بنده‌ای به امر خدا سجده بر کسی یا چیزی کرده، - مانند برادران یوسف - (یوسف/۱۰۰) و اگر فرشتگان، سجده بر آدم کردند، (بقره/۳۴) در واقع در برابر خداوند سجده کرده‌اند و اطاعت امر او به جا آوردند.

سجده، تذلل و اظهار کوچکی و خاکساری در برابر خداست. مگر نه این‌که همه‌ی آفریدگان در پیشگاه امر او و عظمت او ساجدند؟ مگر نه این‌که آفریدگان زمین و آسمان مانند خورشید و ماه و اختران و کوه‌ها و درختان و حیوانات، و توده عظیم مردمان از برای خداوند سجده می‌کنند؟ (حج/۱۸)

راهنمایی کند. چرا که راه‌های غیر مستقیم، بسیار است. راه هوس‌ها، افراط و تفریط‌ها، وسوسه‌های شیطانی. راه‌های بی‌منطق و برهان، مسیرهایی هلاکت بار و آینده سوز. راه‌های بی‌مرشد و راهنما. راهی که طغوت‌ها پیش پای مردم می‌نهند، راه سلیقه‌های شخصی در مقابل راهنمایی‌های دین و... که این همه راه نیست، بلکه «بیراهه» است.

قرآن، راه مستقیم را راه خدا و انبیا می‌داند. (هود/۵۶؛ زخرف/۴۳) راه بندگی و عبودیت خدا: «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس/۶۱) راه پیوند و تمسک به آیین خدا و پذیرش قانون الهی. (آل عمران/۱۰۱) راه اهل بیت پیامبر، که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «به خدا سوگند راه مستقیم، ما هستیم».

امام عسگری علیه‌السلام در تفسیر «اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» می‌فرماید:

«نمازگزار با بیان این جمله می‌گوید: راه مستقیم، راهی است که از کوتاه فکری بالاتر و از بلندپروازی و غلو، پایین‌تر باشد».

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«راه مستقیم، راهی است که انسان را به محبت خدا و دین او سوق می‌دهد و از هواپرستی و پیروی از سلیقه‌ها و آرای شخصی در دین، باز می‌دارد».

هشتم: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»

نه راه غضب شدگان و گمراهان. راه فرعون‌ها، قدرتمندان بی‌تعهد، مستکبران یاغی، که به قهر خدا هلاک و غرق شدند، (قصص/۴۰) راه قارون‌ها و سرمایه‌داران سنگدل که در برابر مردان خدا گردن‌کشی کرده و در خاک فرو رفتند. (قصص/۸۱)

و نه راه دانشمندان بی‌عمل و دنیاپرست که به آن چه می‌گویند، خود پایبند نیستند. (صف/۳) چهره غضب‌شدگان تاریخ را در نظر آورید، اقوام و ملت‌هایی که با عذاب‌های آسمانی یا بلاهای زمینی به قهر خدا گرفتار شدند و تار و مار گشتند. منافقانی که در قرآن از مغضوبین به‌شمار آمده‌اند. (فتح/۶) گمراهانی که از راه حق، راستی و توحید، به بیراهه باطل و انحراف فکری و فساد عملی افتاده‌اند.

ب) ۹/۲-۳- سوره توحید

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

به نام خدای بخشنده مهربان. بگو، که او خدای یکتا و بی‌نیاز است. نه زاده است و نه زاده شده و نه کسی همتای اوست.

امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «کسی که ایمان به خدا دارد و عبادت‌های جانفرسا هم انجام می‌دهد، ولی امام شایسته‌ای از طرف خدا ندارد، تلاشش بی‌فایده و نپذیرفته است».

۳-۶/۲- در بُعد اخلاقی، «تقوا»

بندگی خدا با شرط تقوا و ترک گناه، قبول می‌شود.

قرآن پس از ذکر داستان هابیل و قابیل، که قربانی یکی پذیرفته و دیگری ردّ شد، می‌فرماید: «خداوند، تنها از اهل تقوا، "قبول" می‌کند». (مائده/۲۷)

آن‌که دزدی کند و مال دیگران را انفاق کند، مقبول نیست. آن‌که حق مردم را بخورد و به نماز بایستد، نمازش مردود است.

آن‌که نماز را ترک کند ولی جهاد نماید، یا به دیگران ستم کند و نماز بخواند، یا به دیگری تهمت بزند و غیبت کند و به زیارت هم برود، یا چشم ناپاک به نوامیس مسلمین داشته باشد و نماز شب هم بخواند، آن نماز و جهاد، و این زیارت و نافله را خدا نمی‌پذیرد، چون همراه با تقوا نیست و بدون تقوا هیچ عملی برای انسان، عمل خیر به حساب نمی‌آید.

۴-۶/۲- در بُعد اقتصادی، «رسیدگی به محرومین»

نیازمندان و فقیران، بندگان خدایند. آن عبادت و بندگی که همراه با رسیدگی به وضع بندگان ناتوان و محروم خدا نباشد، بی‌ارزش است. در آیات و روایات، موضوع «نماز» و «زکات»، به طور معمول در کنار هم آمده است که یکی ارتباط با خداست و دیگری ارتباط با خلق خدا. از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «نماز افرادی که زکات ندهند، پذیرفته نیست». آری نپرداختن حقوق واجب محرومین، اموال انسان را آمیخته به حرام می‌کند و زندگی از مسیر الهی بیرون می‌رود.

۵-۶/۲- در بُعد اجتماعی، «خوش رفتاری»

اساس جامعه اسلامی بر اخوت و صفا و برادری میان مسلمانان است. هر چه که این روابط را به هم بزند و وحدت را بشکند و حرمت افراد را زیر پا بگذارد، چنان ناپسند است که قبول عبادت را هم با مشکل مواجه می‌سازد.

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر کس مسلمانی را غیبت کند، تا چهل روز، نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود، مگر این‌که غیبت شده او را ببخشد».

همچنین به ابودر فرمود: «از هجران و قهر کردن با برادر دینی بپرهیز، چرا که با این ترک رابطه، عمل قبول نمی‌شود».

و امام صادق علیه‌السلام فرمود: «بد اخلاقی و بدرفتاری عمل را تباه می‌کند، آن‌گونه که سرکه عسل را».

۶-۲-۶ در بُعد خانوادگی، «رعایت حقوق»

بر اساس روایات: والدین و فرزندان نسبت به هم حقوق متقابل دارند و کسانی که این حقوق را مراعات نکنند، خدا نماز و کارهای نیک آن‌ها را نمی‌پذیرد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».

پایه استوار ارتباط با خدا، روابط صحیح میان افراد خانواده است.

۶-۳-۶ نشانه قبولی عبادت

با این همه شرایطی که برای قبولی عبادت و نماز است، باید مراقب بود نماز بی‌فایده و پرستش بی‌خاصیت نداشته باشیم. صرف انجام تکلیف، کافی نیست، باید چنان انجام وظیفه کرد، که صاحب فرمان که خداوند است، بپذیرد.

علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بیشترین توجه شما، به قبولی عمل باشد، نه اصل عمل!»

با این حساب، از کجا می‌توان فهمید که طاعت‌مان را خدا پذیرفته است؟

امام صادق علیه‌السلام نشانه آن را چنین بیان می‌کند:

«هر که می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، ببیند آیا نمازش، او را از گناه و زشتی بازداشته است؟ به هر مقدار که نمازش، مانع گناه و منکر شود، نمازش قبول شده است».

۶-۴-۶ شرایط کمال عبادت

غیر از شرط صحت و شرایط قبول، شرایطی هم برای کمال عبادت است. یعنی اگر این شرایط باشد، عمل عبادی ارزشی فوق‌العاده و کمالی بالاتر خواهد داشت.

عبادات و اعمالی که شرایط زیر را داشته باشد، برتر و کامل‌تر است:

۱-۶-۴-۶ مشکل‌تر بودن

در عبادت، باید دشواری آن را تحمل کرد و بر سستی و تن‌پروری غلبه یافت و به پرستشی عاشقانه و پیوسته پرداخت. علی علیه‌السلام فرموده است: «بهترین کارها، عملی است که خود را (علی‌رغم عدم پذیرش نفس) بر آن وادار کنی».

آن‌که در راه دین، سختی بیشتری تحمل کند، از فضیلت بیشتری برخوردار است.

۲-۶-۴-۶ نظم و تداوم

عبادت اگر برنامه‌های دائمی و منظم داشته باشد، بهتر است. در روایات آمده است که مؤمن، اوقات و کارهای خود را تقسیم می‌کند و بخشی را برای عبادت و مناجات با خدا قرار می‌دهد.

آن روز از مردم سؤال می‌شود: «لِمَنْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؟ - امروز، حکومت از آن کیست؟» جواب می‌دهند: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ - از آن خدای یگانه و قدرتمند».(غافر/۱۶)

در نماز، با این صفت، یاد روز سختِ دادرسی در دل‌ها زنده می‌شود و خوف و خشیت الهی، بر دل‌ها سایه می‌افکند و نماز، دریچه‌ای می‌شود به «یاد قیامت».

در حدیث آمده است که امام سجاد علیه‌السلام در نماز، هنگامی که به جمله «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می‌رسید، آن را آن‌قدر تکرار می‌کرد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند.

قیامت، روز دین، روز جزا، روز حسابرسی و کیفر کردار است. یاد آن، دل‌ها را نرم می‌کند، تکبر و غفلت را می‌زداید و عظمت الهی را در دل، مجسم می‌سازد.

پنجم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

تا این‌جا، مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی برای اظهار بندگی و ابراز نیاز و مددخواهی است. نمازگزار، خدا را به رحمت و کرم، ستوده است، او را سررشته‌دار تربیت و هدایت همه‌ی جهان و جهانیان دانسته، همه‌ی ستایش‌ها را مخصوص او ساخته، سرانجام خود را در دست او دیده است. با درک عظمت خداوند و نیاز خویش می‌گوید:

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ...» تنها تو را می‌پرستیم، تنها بنده تو و مطیع امر تویم، نه برده دیگران، نه اسیر زر و زور، نه دلبسته مقام و مال و شکم و شهوت. نه غلام حلقه بگوش جباران و کافران و...

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، تنها از تو یاری می‌طلبیم و استعانت می‌جوییم. حتی عبادت‌مان، توفیقی از تو لازم دارد و گرنه شیطان، ما را به سوی طغیان و گردن‌کشی سوق می‌دهد.

توان جسمی و سلامت بدن را از او می‌طلبیم، تا قدرت عبادت داشته باشیم.

شناخت وظیفه و عمل به تکلیف را با استعانت از او انجام می‌دهیم. او باید کمک‌مان کند تا خداشناس شویم، به یاد نعمت‌هایش باشیم و به شکرانه آن، در محراب عبادت بایستیم و «بندگی» خود را ابراز کنیم.

غلبه بر موانع اطاعت و بندگی و رها کردن علایق و جاذبه‌های گذرا و فانی، و روی آوردن به کانون زیبایی‌ها و منشأ کمال‌ها به توفیق اوست.

ششم و هفتم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

در پیچ و خم راه‌های زندگی و در میان هزاران راه رنگارنگ و گوناگون، راه راست یکی است که به خدا منتهی می‌شود و ما را به خدا می‌رساند. در این که آن راه چیست و چگونه باید آن را پیمود، باید از خدا مدد گرفت و هدایت طلبید.

در این عبارت، طلب هدایت از خدا می‌کنیم تا ما را به راه راست و «صراط مستقیم»

خداست، یعنی این که: خدایا! همواره به یاد توام، با یاد تو شیطان را فراری می‌دهم و به کمک نام تو، یادت را در دل زنده نگاه می‌دارم.

دوم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده جهانیان و سرپرست نظام هستی و صاحب همه نعمت‌های مادی و معنوی است. ربّ آسمان‌ها و زمین و پروردگار همه‌ی موجودات است.

«الحمد لله رب العالمین»، یعنی همه‌ی ستایش‌ها از آن اوست، که امکان رشد و تربیت را در انسان و همه‌ی موجودات فراهم کرده است.

چه ناسپاس‌اند آنان که زبان به ستایش خدا نمی‌کشایند. از نعمت‌ها بهره‌مند می‌شوند و نافرمانی می‌کنند، غرق در مواهب الهی‌اند و بخشنده‌ی آن‌ها را نمی‌شناسند.

سوم: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

سایه رحم همیشگی و رحمت همگانی‌اش بر سر خاص و عام، افکنده است. کیست بگوید من از رحمت خدا بی‌بهره‌ام؟ حتی برای گناهکاران هم، دری همچون «توبه» گشوده است که از رحمت او محروم نشوند، و آنان را دوست می‌دارد. «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ» (بقره/۲۲۲)
رحمتش چنان عام و فراگیر است که مایوس شدن از رحمت او از گناهان کبیره است. و خود فرمان داده است که از رحمتش مایوس نشوند. او همه‌ی گناهان را می‌بخشد. (زمر/۵۳)
خداوند، با رحمت خود، نه تنها لغزش‌ها را می‌پوشاند و می‌بخشاید، بلکه حتی لغزش‌ها را به حسنات تبدیل می‌کند.

نه تنها نعمت‌های مادی‌اش ما را احاطه کرده، که نعمت‌های معنوی‌اش فراگیر ماست.
نه تنها شیرینی‌های زندگی از رحمت اوست، بلکه حوادث ناگوار، که گاهی تازیانه عبرت و هشدار بیدار باش و غفلت‌زدایی است، از رحمت او به بنده‌اش سرچشمه می‌گیرد تا بیشتر در کام هوس فرو نرود و در دام گناه نیفتد.

چهارم: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

صاحب روز جزا و مالک قیامت است.

گرچه او مالک دنیا و آخرت است، اما چون مالکیت کامل و مطلق و بی‌رقیب او در قیامت برای همه، واضح‌تر و آشکارتر می‌شود، از این رو مالک آن روز به حساب آمده است: «وَالْآخِرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (انفطار/۱۹) تمام کارها آن روز به دست خداست.

۳-۶/۴- مهم‌تر بودن

در کارها باید اهمّ و مهمّ کرد و کارهای «مهمّ» را فدای کارهای «مهم‌تر» نمود.
وقتی کارهای مستحب، به واجبات انسان ضرر بزند، چه نیازی به انجام آن‌ها؟
علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه نمازهای مستحب، به نمازهای واجب ضرر برساند، دیگر آن نافله‌ها موجب قرب به خدا نخواهد شد».

۴-۶/۴- برکت داشتن

گاهی کمال یک عمل، در برکت داشتن آن است، یعنی کاری باشد که خیر و سود آن، جاودان و گسترده و باقی باشد، نه موقت و گذرا.

۵-۶/۴- سبقت گرفتن

در کارهای نیک، پیشتاز بودن و شتاب به سوی صالحات و خیرات، امتیازات ویژه‌ای دارد.
به سوی نماز اوّل وقت باید شتافت. در کارهای خداپسند باید پیشقدم بود.
تأکید بر «سارعوا» (آل عمران/۱۳۳) و «سابقوا» (حدید/۲۱)، در قرآن و حدیث نشان آن است که سرعت و سبقت در عبادت مایه کمال عبادت است.

۶-۶/۴- نشاط و دوام

منافقان، نماز را با کسالت و بی‌نشاط می‌خوانند. (نساء/۱۴۲)
اهل شک، در عبادت‌شان دچار تردید و سستی می‌شوند.
عبادتی کامل‌تر است که همراه با نشاط، و برخوردار از استمرار و پیوستگی باشد. عمل اندک و با دوام، برتر از کار زیادی است که انسان از آن ملول و خسته شود و دست بکشد.

۷-۶/۴- بصیرت و یقین

عملی که از روی بینش عمیق و آگاهی و یقین باشد، به مراتب برتر از کارهای سطحی و عبادت‌های تهی از یقین است. در حدیث می‌خوانیم: «عمل اندک ولی پیوسته و مداومی که همراه یقین باشد، نزد خدا برتر از عمل بسیاری است که فاقد بصیرت و یقین باشد».

۷- سیمای نماز

تاکنون آن‌چه خواندید، به «عبادت» مربوط می‌شد.

البته عبادت، عنوان عامی است که نمونه‌ها و مصداق‌های فراوانی را در بر می‌گیرد و تنها در «نماز» خلاصه نمی‌شود. حج، روزه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، طلب روزی حلال، خدمت به هموعان، درس خواندن و درس گفتن، عزاداری بر شهیدان کربلا، نیکی به پدر و مادر، یتیم نوازی، پرداخت خمس و زکات و... همه و همه عبادت است. (البته به شرط خدایی بودن نیت)

ولی در میان اعمال عبادی، «نماز» برجستگی و درخشندگی خاصی دارد و جلوه درخشان عبادت و پرستش خدا به حساب می‌آید. اوصاف نماز، فلسفه و حکمتش، فایده و آثارش، شرایط و آدابش، مکان و زمانش در آیات و روایات بسیاری آمده که پرداختن به آن‌ها طولانی خواهد شد. اما سعی می‌کنیم بر اساس قرآن و حدیث، قطره‌ای از دریای معارف اسلامی درباره نماز را بازگوییم.

نماز، بزرگ‌ترین عبادت و مهم‌ترین سفارش همه انبیاست.

لقمان، پسرش را به نماز توصیه می‌کند. (لقمان/۱۷)

حضرت عیسی در گهواره می‌گوید: «خدایم مرا به نماز و زکات توصیه کرده است». (مریم/۳۱)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نماز را نور چشم خود می‌داند. «قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»

نماز، فریضه‌ای است که خدا را به یاد انسان می‌آورد. (طه/۱۴) و پیمان خدا با مردم است.

نماز، سیمای مکتب است. «الصَّلَاةُ وَجْهٌ دِينُكُمْ»

نماز، دوی تکبر است. «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبْرِ»

نماز، وسیله تشکر و سپاس از نعمت‌های الهی است، عمود و پایه دین، کلید بهشت، وسیله آزمایش و شناخت مردم و محو کننده گناهان، و پاک کننده دل و جان آدمی است.

طبق روایات: روزی پنج نوبت، با حفظ شرایط کامل نماز، در پیشگاه خدا ایستادن و نعمت‌های او را یاد کردن و از او حاجت و نیاز خواستن، همچون شست و شو در نهر آبی است که آلودگی‌ها را می‌زداید.

نماز، اولین سؤال در قیامت است، که اگر پذیرفته نشود، کارهای دیگر هم مقبول نیست.

نماز، تنها عبادتی است که در هیچ حال از انسان ساقط نمی‌شود حتی در میدان جنگ و در شرایط اضطرار، بیماری و ...

نماز، اعلام بندگی در برابر خدا و زیر بار نرفتن در مقابل طاغوت‌ها و ستمگران است.

نماز، زنده نگه داشتن آیین توحیدی حضرت ابراهیم، و سنت رسول‌الله و مکتب حسین بن علی علیهما السلام است.

نماز، برای عاشقان خدا، شیرین ولی برای منافقان، تلخ و سنگین است: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵)

نماز، کوبنده شیطان و مأیوس کننده اوست.

نماز حضور در برابر آفریدگار است.

انگیزه آگاهانه نسبت به هر عمل «نیّت» آن است و در عبادت، این انگیزه باید خدایی باشد و نماز به خاطر رضای الهی و در جهت تأمین خواسته او و اجرای فرمانش و به قصد نزدیک‌تر شدن به خدا (قصد قربت) انجام گیرد.

اگر در عبادت و نماز، چنین نیّت خالصی وجود داشت، عامل قرب می‌شود و گرنه جز دوری از خدا بازدهی ندارد.

نیّت، آگاهی و توجّه به عمل و هدف آن است. هدف نماز که «یاد خدا» ست باید همواره در دل و ذهن نمازگزار، زنده باشد و انگیزه‌های مادی و غیر خدایی در دل و فکر، راه پیدا نکند.

۲-۹/۲- تکبیر

«اللَّهُ اکبر» خدا بزرگ‌تر است. بزرگ‌تر از هر چه به وصف آید و در ذهن و زبان بگنجد. بزرگ‌تر از آن‌چه می‌گویند و می‌خوانند و می‌شناسند.

بزرگ‌تر از فکر و خیال و اندیشه ما و در واقع بزرگ‌تر از آن‌که با دیگران مقایسه شود.

با این کلام نماز شروع می‌شود. این شعار، تکبیره‌الاحرام است، یعنی الله اکبری که با آن به حریم نماز وارد می‌شویم و غیر خدا را از یاد می‌بریم و برای جز او عظمتی نمی‌شناسیم و کارهای خلاف را بر خود حرام می‌کنیم.

چنان‌که هواپیما هر چه بیشتر اوج بگیرد، خانه‌ها کوچک‌تر دیده می‌شود، انسان هر چه خدانشناس‌تر شود و عظمت‌ها و نعمت‌ها و قدرت‌های الهی را بیشتر بشناسد، جز خدا هر چه هست در نظرش کوچک می‌شود و خدا بزرگ‌تر است از هر چیز، «الله اکبر»

۳-۹/۲- قرائت

الف) ۳-۹/۲- سوره حمد

اول: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

با یاری خداوند، با نام و یاد او، با نیّتی الهی شروع می‌کنیم. خدایی که به همه لطف دارد، و همیشه لطیف و مهربان است.

بسم الله، در آغاز همه‌ی کتاب‌های آسمانی بوده است.

هر کاری که با نام خدا شروع نشود، به انجام مطلوب نمی‌رسد.

بسم الله، خدایی کردن کارهاست، و رنگ و نشان خدا زدن بر اعمال و عبادات.

پیامبران نیز شروع کارشان با بسم الله بوده است، همچون نوح، که کشتی خود را به نام الله به آب انداخت و با نام او آن را متوقف کرد.

شروع هر کار به نام خدا رمز عشق به خداست و توکل بر او و نشانه بندگی انسان در پیشگاه

۳-۹/۱- شناخت قبله

گرچه خدا در طرف خاصی نیست که به او رو کنیم، هر طرف رو کنیم، خدا آن جاست «إِنَّمَا تَوَلَّوْا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵) ولی هم برای گرامی‌داشت خاطره ابراهیم، بنیانگذار خانه توحید، هم برای متوجه ساختن دل به نقطه‌ای مقدس، هم برای هماهنگی و نظم عبادت کنندگان و نمازگزاران در جهت‌گیری عبادی و هم برای اسرار دیگر، مأموریم که قبله نمازمان را «کعبه» قرار دهیم.

۴-۹/۱- اذان

اذان، شعار توحیدی مسلمانان است. اذان، اعلام یکتایی خدا، رسالت حضرت محمد صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم، ولایت علی علیه‌السلام، رستگاری در سایه نماز، و «تکبیر» خداوند است. اذان، فریاد بر ضدّ معبودهای خیالی، معرفی عقیده اسلامی، و شعار اسلام است. اذان، هم فراخواندن امت اسلام به شرکت در نماز جماعت است، هم آماده‌سازی جان و دل برای ورود به «نماز».

حدیثی می‌فرماید: «با صدای بلند اذان، شیطان عصبانی می‌شود و فرار می‌کند».

۲-۹- مقارنات نماز

در محراب نماز

غیر از حرکات ظاهری نماز، که هر کدام فلسفه و رازی دارد، و غیر از ذکرها و تسبیح‌های آن، که هر کدام مفاهیم بلندی را در بر گرفته است، روح نماز، همان «توجه» است. نمازگزار با اخلاص و آگاه به رمز و راز عبودیت، باید همواره و در تمام لحظات و فقرات نماز، بداند که چه می‌کند، در چه مقامی ایستاده است، با که سخن می‌گوید، طرف خطابش کیست و حرف و خواسته‌اش چیست. این «حضور قلب»، عنصر اصلی سازندگی نماز و «یاد خدا» است که فلسفه بلند و عمیق نماز است.

آشنایی به مفاهیم جملات قرائت و ذکرها، و توجه به معنای اعمال و حرکات در نماز، زمینه‌ساز پیدایش خشوع قلبی و خضوع جسمی و توجه باطنی به معبود یکتاست.

۱-۹/۲- نیت

سرفصل این عبادت و نخستین امر واجب در نماز، «نیت» است. نیت، تعیین کننده ارزش هر عمل است. اگر عبادتی، از جهت نیت، خلل یابد و نمازگزار، دچار ریب و ریا گردد، کارش بی‌نتیجه و عبادتش فاسد و رنجش بی‌اجر خواهد بود.

نماز هماهنگی با همه ذرات عالم است. جهان، محراب وسیعی است که همه‌ی کائنات، در آن به تسبیح و سجود در برابر خدا مشغول‌اند. به نماز ایستادن، همراهی با همه‌ی آفریده‌ها و فرشتگان در پرستش و ذکر پروردگار است.

در اهمیت نماز، همین بس که علی علیه‌السلام در میدان نبرد صفین، و امام حسین علیه‌السلام در ظهر عاشورا دست از جنگ کشیدند و به عشق الهی، به نماز ایستادند. شخصی به حضرت علی علیه‌السلام ایراد گرفت، امام فرمود: «ما برای همین می‌جنگیم تا مردم، اهل نماز باشند».

به سید الشهداء، در زیارتنامه‌اش خطاب می‌کنیم: گواهی می‌دهم که تو نماز را بر پا داشتی. «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ...»

در مشکلات و اضطراب‌ها، یاد خدای بزرگ و استمداد از او، آرام بخش دل‌ها و راه‌گشای انسان در سختی‌هاست و تکیه‌گاهی است که مؤمنان به خدا دارند. از این رو قرآن دستور می‌دهد که به وسیله «صبر» و «نماز» از خداوند یاری بطلبید.

«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره/۴۵)

امام صادق علیه‌السلام در واپسین دم زندگی خویش، همه بستگان را جمع کرد و در وصیت خویش به آنان، اهمیت نماز را یادآور شد و فرمود: «هر که نماز را سبک بشمارد، از شفاعت ما محروم است».

«مرز میان اسلام و کفر، ترک عمدی نماز است».

چگونه مسلمانی است آن‌که رابطه خود با خدا را بریده و از نماز روی برتافته است.

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ - هر که عمداً نماز را ترک کند، کفر ورزیده است».

و در کلام علوی می‌خوانیم که فرمود: «کسانی که نماز را سبک شمارند و آن را تباه و ضایع سازند، غیر نماز را بیشتر ضایع خواهند ساخت».

نماز، موقعیتی است که باید در آن به خدا توجه داشت نه دیگری، و هر چه را از نظر دور داشت مگر خدا را. باید خدای را زنده و حاضر و ناظر بدانیم و احساس حضور در برابر آن خالق عظیم را در خویش، زنده نگاهداریم.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

«همین که انسان در نماز به غیر خدا توجه می‌کند، خداوند به او خطاب می‌کند: به چه کسی

توجه می‌کنی؟ آیا پروردگاری جز من سراغ داری؟ آیا جز من، مراقب و ناظری در کار است؟ آیا به بخشنده‌ای جز من دل بسته‌ای ...؟ اگر توجه به من داشته باشی، من و فرشتگانم به تو توجه خواهیم کرد و ...»

۸- نماز، سپاس نعمت

انسان، اسیر محبت دیگران است و نعمت و نیکی، انسان را به مقام سپاس و تشکر می‌کشید. اگر کسی نعمتی به ما بخشید با زبان و عمل، سپاسگزار او می‌شویم. ما بنده خداییم و غرق در نعمت‌های او، پس در هر نفسی، نه یک نعمت بلکه صدها نعمت موجود است و بر این نعمت‌ها نه یک شکر، بلکه هزاران شکر لازم است. (اشاره‌ای است به ابتدای بوستان سعدی)

کافی است که اندکی چشم بصیرت بگشاییم و بینیم لطف و فضل خدا را درباره خودمان، آن‌گاه خواهی‌نخواهی سپاس او خواهیم گفت.

نماز، نوعی سپاس از نعمت‌های فراوان و بی‌شمار اوست.

خداوند، به ما هستی بخشید. آن‌چه برای زندگی مادی و معنوی لازم داشتیم، عطا کرد. هوش و عقل و استعدادمان داد. قطرات باران، برگ درختان، ماهیان دریا، پرندگان آسمان، نور خورشید و هدایت عقل و ولایت پاکان و راهنمایی وجدان را جهت سعادت ما ارزانی داشت. اعضای متناسب، قوایی مفید، مرتبانی دلسوز، طبیعتی رام و مستخرّ برای ما قرار داد، تا با او بیشتر آشنا باشیم. اگر لب ما نرم نبود، توان سخن گفتن نداشتیم. اگر انگشت شصت نداشتیم، حتی دکمه یقه خود را نمی‌توانستیم ببندیم.

اگر آب‌ها، شور و تلخ بود، درختان نمی‌روید. اگر زمین جاذبه نداشت، اگر فاصله خورشید به ما نزدیک‌تر بود، اگر هنگام تولّد، مکیدن را نمی‌دانستیم، اگر قدرت نطق و گویایی نداشتیم، اگر چشم‌مان نابینا بود، اگر از موهبت عقل بی‌ بهره بودیم ... و هزاران اگر دیگر.

به تعبیر قرآن، نعمت‌های الهی، قابل شمارش نیست. «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل/۱۸)

آیا این همه نعمت، تشکر لازم ندارد؟ آیا بی‌انصافی و حق ناشناسی نیست که انسان، غرق نعمت‌های خدا باشد ولی حالت سپاس به درگاه صاحب نعمت نداشته باشد؟

نماز، تشکر از خداست که ولیّ نعمت ماست و هر چه داریم از اوست.

البته این سپاس، برای خدا سودی ندارد، بلکه برای خودمان مفید است و نشان معرفت

ماست. همچنان که تشکر یک دانش‌آموز از معلّم، بیانگر کمال و رشد فکری اوست و از تشکر او چیزی عاید معلّم نمی‌شود.

چه غافل‌اند، آنان که بر سر سفره نعمت خدا، عمری می‌نشینند و یکبار هم به شکرانه این موهبت‌ها در آستان آن خدای متعال، پیشانی عبودیت و سجده شکر بر زمین نمی‌گذارند!

۹- ادب و آداب نماز

۹/۱- مقدّمات نماز

۹/۱-۱- طهارت

نمازگزار، باید پیش از آن که شروع به نماز کند «وضو» بگیرد. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «نماز بدون وضو نماز نیست».

وضو، جزیی از ایمان است، نورانیت و صفای درونی می‌آورد، نشاط‌آور و کسالت زداست، به علاوه نظافت جسم را نیز همراه دارد. وضو، انسان را آماده نماز می‌سازد. فیض کاشانی گفته است: «یک مرتبه از مادّیت برخاستن و به معنویت سفر کردن دشوار است، اما وضو، انسان را کم‌کم آماده می‌سازد».

وضو، کفاره گناهان کوچک است و خوب است انسان در همه حال با وضو باشد و حتی هنگام خوابیدن هم وضو بگیرد.

طهارت به منزله اجازه ورود به حضور خداست. البته طهارت، مراتبی دارد:

طهارت ظاهر، از نجاسات و آلودگی‌ها. (وضو، غسل، تیمم)

طهارت اعضا، از گناهان و جرایم.

طهارت روح، از مفاسد و رذایل اخلاقی.

۹/۱-۲- لباس و مکان نمازگزار

در نماز، پوشش بدن لازم است. البته حدّ واجب برای مرد پوشاندن عورت است، ولی بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.

لباس، باید پاک و مباح باشد. در نماز، بهتر است جامه سفید پوشیده شود، انگشتر عقیق به دست باشد و از لباس‌های چرک و تنگ و سیاه و لباس افراد لالایی که از نجاسات پرهیز نمی‌کنند استفاده نشود.

مکان نیز باید مباح باشد. در جایی که مال دیگران است، بی‌اجازه و رضایت نمی‌توان نماز خواند و رعایت این شرط‌ها در نماز، هم مراعات ادب است و هم رعایت حق دیگران.